

اینجا منظورم اینه . هر کسی صرف نظر از اینکه ایماندار به مسیح هست یا نه ، مهارت هایی طبیعی داره که نشانه فیض خدا در زندگی اونهاست . قهرمانان ورزشی خوب ، خوانندگان خوب ، کسانی که در هنر مهارت دارند ، هر هنری که میخواد باشه . ما حتی قبل از اینکه به مسیح بیاییم ، مهارت های طبیعی ای داریم که نشانه های فیض عمومی در زندگی ما هستند . اما چیزی که ما ازش با عنوان عطایای روحانی صحبت میکنیم ، تنها مهارت های طبیعی نیستند . اینها چیزهایی هستند که چون روح القدس در ما وجود داره ، به ما عطا میشن . فیض نجات بخش منجر به دریافت عطایای روحانی میشه . من فکر میکنم جا داره که تفاوت بین اونها رو بدونیم . فکر میکنم کسانی که مهارتهای طبیعی با فیض عمومی خدا برای تعلیم ، قبل از آمدن به مسیح دارند ، گاهی شاید وقتی به مسیح میان ، عطیه روحانی تعلیم هم به اونها داده بشه . اینجا تفاوتی بین اونها هست . لزومی نداره که تفاوت های غیر ضروری بین این دو رو مطرح کنم . اما تفاوت عمده ای بین مهارت طبیعی و عطیه روحانی وجود داره . ، وقتی ما به مسیح ایمان میاریم ، وقتی صحبت از عطیه روحانی میشه ، چیزی که پیش میاد اینه که موهبت روحانی ای رو که به ما بخشیده شده باز میکنه . و این تعریف «با فیض» هست .

روح القدس همه مسیحیان رو تجهیز میکنه ...

روح القدس با فیضش همه مسیحیان رو تجهیز میکنه تا کلیسا رو برای جلال مسیح تقدیس کنه . روح القدس با فیضش همه مسیحیان رو تجهیز میکنه . هر مسیحی ای عطیه ای داره . اول قرنیتیان 7:12

در هر فرد ، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می کند ،

هیچ کس همه عطایا رو نداره . اما هر کسی حداقل یک عطیه داره . پس تمام مسیحیان عطیه ای دارند .
روح القدس به هر کدام از شما عطیه ای میده و هر عطیه ای به نوبه خود مهم هست . اول قرنیتیان 15:12 – 20 در باره این صحبت میکنه که چرا همه عطایا مهم هستند . اون میگه :

اگر پا بگوید: « چون دست نیستم بدن تعلق ندارم » آیا بخاطر این حرف دیگر عضو بدن نیست ؟ یا اگر گوش بگوید: « بعلت این که چشم نیستم بدن متعلق نیستم » آیا به این دلیل دیگر عضو بدن محسوب نمیشود؟ اگر تمام بدن چشم بود چگونه می توانست بشنود؟ و اگر تمام بدن گوش بود چگونه می توانست ببویید؟ در حقیقت خدا جای مناسبی را به همه اعضای بدن طبق اراده خود بخشیده است اگر تنها یک عضو بود بدنی وجود نمی داشت ! اما در واقع اعضاء بسیار است ولی بدن یکی است .

شما به بخشی از بدن نمیتونید بگید تو مهم نیستی و یا به بخش دیگر بدن بگید ، تو بیشتر مهمی . باید

اینجا مراقب باشید . ما باید مراقب خود کم بینی خودمون باشیم . منظورم از این اصطلاح ذهنیتیه که میگه من خوب نیستم . به من نیازی ندارید . اول قرنیتان 21: 12 – 26

و چشم نمی تواند بدست بگوید: « محتاج تو نیستم » یا سر نمی تواند به پا بگوید: « بتو نیازی ندارم ». برعکس، اعضائی که بظاهر ضعیفند وجودشان بیش از همه ضروری است و اعضائی را که پست می شماریم با دقت بیشتری می پوشانیم و آن قسمت از اعضای بدن خود را که زیبا نیستند با توجه خاصی می آرئیم، حال آنکه اعضای زیبای ما به چنین آرایشی احتیاج ندارند. آری ، خدا اعضای بدن را طوری بهم مربوط ساخته که به اعضای پست تر بدن اهمیت بیشتری داده میشود تا به این ترتیب در بین اعضای بدن نا هماهنگی بوجود نیاید ، بلکه تمام اعضاء نسبت بیک دیگر توجه متقابل داشته باشند. اگر عضوی بدرد آید اعضای دیگر در درد آن عضو شریک هستند. همچنین اگر یکی از اعضاء مورد تحسین واقع شود اعضای دیگر نیز خوشحال خواهند بود.

من فکر میکنم این یکی از شایع ترین چیزها در اکثر کلیساها هست. حدس میزنم افراد بیشماری که این مطالب رو مطالعه میکنند، اگه به کلیسای محلی ای فکر کنند که عضو آن هستند، خواه اینجا در ایالات متحده و یا هر جای دیگری، با خودشون میگن که فکر نمیکنم کلیسا واقعا به من نیازی داشته باشه . واقعیت اینه که اگه شما عضو کلیسا هستید ، اگه شما پیرو عیسی مسیح هستید ، پس به شما بخاطر کلیسا عطیه ای داده شده . ما باید از خود کم بینی اجتناب کنیم و مراقبش باشیم . همینطور باید مراقب خود بزرگ بینی هم باشیم . ما نباید فکر کنیم خب من عطایای زیادی دارم بنا بر این کلیسا خیلی به من نیاز داره . خود کم بینی میگه من خوب نیستم ، شما به من نیازی ندارید ، و خود بزرگ بینی میگه شما خوب نیستید ، من به شما نیازی ندارم . خدا میگه شما به همدیگه نیاز دارید. من فکر میکنم که این یکی از هیجان انگیز ترین چیزها در بین انواع خانواده های ایمانی در دنیاست . به هر حال عده ای در کلیسای محلی شما هستند . شما عطایای زیادی برای تقدیس کردن بدن دارید. اینجا حقیقت حیرت انگیزی هست . اگه 10 نفر در کلیسا باشند ، ده عطیه فیض و یا بیشتر در اون کلیسا وجود داره . بسیاری از مردم فقط یک عطیه روحانی ندارند . پس ما باید مراقب این چیزها باشیم و به خودمون بگیم ما به همدیگه نیاز داریم . اینجا لیستی از چهار عطیه روحانی در عهد جدید می بینید . رومیان 6:12 – 8 میگه :

بنابر این ما باید عطایای مختلفی را که خدا بر طبق فیض خود بما داده است بکار ببریم : اگر عطیه ما اعلام کلام خداست باید آنرا بفراخور ایمانی که داریم انجام دهیم. اگر خدمت کردن است باید خدمت کنیم . اگر تعلیم دادن است باید تعلیم بدهیم . اگر تشویق دیگران است باید چنان کنیم . مرد بخشنده باید با

سخاوت و مدیر ، باید پرکار باشد و شخص مهربان با خوشی خدمت خود را انجام دهد.

اول قرنیتان 4:12 – 11 میگه :

عطایای روحانی گوناگون است اما همه آنها را یک روح میبخشد. خدمات ما گوناگون است اما تمام این خدمات برای یک خداوند است. فعالیت‌های ما نیز مختلف است اما یک خدا است که در همه عمل می‌کند. در هر فرد ، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می‌کند، مثلاً روح لقدس بیکی بیان حکمت عطا می‌کند و بدیگری بیان معرفت . بیکی ایمان میبخشد و به دیگری قدرت شفا دادن ، به یکی قدرت اعجاز و به دیگری قدرت نبوت و به سومی عطیه تشخیص ارواح عطا می‌کند ، به یکی قدرت تکلم بزبانها و به دیگری قدرت ترجمه زبانها را میبخشد. اما کلیه این عطایا کار یک روح واحد است و او آنها را بر طبق اراده خود به هر کس عطا می‌فرماید.

اول قرنیتان 28:12

مقصودم این است که خدا در کلیسا اشخاص معینی را بشرح زیر قرار داده است : اول رسولان ، دوم پیامبران ، سوم معلمین و بعد از اینها معجزه کنندگان و شفا دهندگان و مددکاران و مدیران و آنائیکه به زبان های مختلف سخن می‌گویند.

مثلاً کسی که وعظ می‌کند طوری سخن بگوید که گوئی از طرف خدا پیامی دارد و آن که خدمت می‌کند با قدرتی که خدا به او عطا می‌فرماید خدمت کند تا از این راه خدا در همه چیز به وسیله عیسی مسیح جلال یابد. آری ، جلال و قدرت تا به ابد از آن او باد ، آمین

وقتی اونها رو با هم جمع کنید ، حدود 22 عطیه مختلف خواهید داشت که در کتاب مقدس آمده به علاوه افسسیان 4:11 و اول قرنیتان 7:7 که در اینجا اضافه نشده . این عطایا اغلب با مهارت های طبیعی منطبق هستند . بعضی در این لیست اومده که در لیست دیگر هم وجود داره . شما عطایایی مثل رهبری ، و مدیریت رو میبینید که احتمالاً با لیست دیگر هم انطباق دارند . اونها شامل ویژگی هایی هستند که از همه پیروان مسیح انتظار میره . مثلاً تعلیم عطیه ای روحانی هست اما از طرفی هم به همه ما فرمان داده شده که برویم و همه قوم ها رو شاگرد بسازیم . برویم و تعمید و تعلیم بدیم تا مسیح رو پیروی کنند . به همه ما فرمان داده شده به هر حال تعلیم بدیم . این الزاماً بدین معنی نیست که همه ما عطیه تعلیم داریم تا به گروهی از مردم به روش خاصی تعلیم بدیم . اما حتی اگر به فرزندانتون هم تعلیم بدید که مسیح رو پیروی کنند ، این همون چیزیه که خدا تمام والدین و دعوت کرده که این کارو بکنن. وقتی به عطیه خدمت اشاره میشه نمیتونید بشینید عقب و بگید من عطیه خدمت ندارم . پس لازم نیست خدمت کنم. به همه ما فرمان داده شده ، به عنوان عضوی از بدن مسیح خدمت کنیم اما بعضی ها عطیه خارق

العاده ای دارند . یک عطیه روحانی خاص خدمت . چیزی که منو کلافه میکنه اینه که وقتی صحبت از عطیه بشارت میشه ، عده ای میگن خب من عطیه بشارت ندارم پس نمیتونم مردم رو به مسیح هدایت کنم . این مطلقاً اشتباهه . شما روح خدا رو دارید پس میتونید مردم رو به مسیح هدایت کنید . با روح خدا شما قادر هستید ، آزادید و قدرت دارید که مردم رو به مسیح هدایت کنید . یقیناً اندازه های متفاوتی در مورد عطایا هست. اما بعضی از این عطایا واقعاً برای همه پیروان مسیح فرمان داده شده . و در نتیجه شما رو تشویق میکنم وقتی به اون لیست عطایا نگاه میکنید ، اونها رو بیشتر با جزئیاتش ببینید نه به طور جامع . منظورم اینجا اینه . من فکر میکنم که عطایای روحانی متنوع زیادی وجود دارند. که در عهد جدید به اونها اشاره شده. که بیانگر غنا و زیبایی بدن مسیح هستند. و فقط تعدادی محدود عطیه وجود نداره . عطایای روح منحصر به 20 عطیه ای نیستند که روح بگه این یکی از همون هاست که میخوام بهتون بدم . من فکر میکنم این لیستی که اینجا با جزئیات به اون اشاره شده شامل دهها هزار عطیه هست که روح خدا به ما میده . و فکر میکنم عطایای روحانی نسبت به ظرفیت افراد ، به اونها داده شده تا بتونن در خدمتشون مفید باشن. اما من فکر نمیکنم که لازم باشه خود اون رو در چهار چوب بعضی از عطایایی که به اونها اشاره شده محدود کنیم. چون روح خدا به هر کدام از ما بر حسب غنای خود و با سخاوت خود در بدن مسیح عطایای گوناگونی میده .

تقدیس کردن کلیسا ...

تمامی این عطایا داده شده اند تا کلیسا رو تقدیس کنند . عطایای روحانی برای خیریت همه برای خدمت داده شده . اول قرننیان 7:12 میگه : در هر فرد ، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می کند،

اول قرننیان 12:14 :

چون شما اشتیاق دارید صاحب عطایای روح باشید بکوشید بیشتر عطایایی را کسب کنید که باعث تقویت و پیشرفت کلیسا میباشد.

اول قرننیان 26:14

ای برادران ، منظور من چیست ؟ مقصودم این است که وقتی دور هم جمع میشوید هر کس سرودی یا تعلیمی یا مکاشفه ای یا سخنی به زبان ها یا ترجمه زبان را داشته باشد ، همه این ها باید به منظور تقویت همه انجام شود.

ماهیت اصلی دیگری برای عطایای روحانی وجود داره . عطایای روحانی بر حاکمیت خدا متکی هستند .

اول قرننیان 8:12

در حقیقت خدا جای مناسبی را به همه اعضای بدن طبق اراده خود بخشیده است

عبرانیان 4:2

و در ضمن ، خدا با آیات و و عجایب و انواع معجزات و عطایای روح القدس طبق اراده خود گواهی آنان را تصدیق فرمود.

او بر اساس اراده و حکمت خودش عطا میکند . عطایای روح ممکنه در قدرت متنوع باشن. عطایای روحانی مثل ماهیچه ها هستند . اگر ماهیچه هامون رو به کار بگیریم اونها رشد میکنن و قوی تر میشن . اگر اونها رو به کار نگیریم ضعیف خواهند شد . عطایای روح در قدرت متنوع هستند . این چیزیه که پولس در اول تیموتائوس 14:4 میگه :

نسبت به عطیه روحانی خود بی توجه نباش - عطیه ای که در وقت دستگذاری تو به وسیله رهبران کلیسا همراه با نبوت آنها به تو داده شد.

همینطور در دوم تیموتائوس 6:1 میگه :

به این سبب در وقتی که ترا دستگذاری کردم عطیه خدا به تو داده شد. می خواهم این عطیه را به یاد تو بیاورم تا آن را همیشه شعله ور نگاهداری.

عطایای روح میتونند از نظر اهمیت متفاوت باشند . به اول قرنیتیان 5:14 – 6 نگاه کنید که میگه :

اگر همه شما به زبان ها سخن گویند خوشحالم ، ولی ترجیح می دهم که همه شما نبوت کنید زیرا اهمیت کسی که نبوت می کند از کسی که بزبانها سخن می گوید بیشتر است ، مگر این که کسی بتواند سخن او را ترجمه نماید تا کلیسا تقویت شود. پس ای برادران ، اگر من پیش شما بیایم و به زبانها سخن بگویم چه سودی برای شما خواهم داشت ؟ هیچ ! مگر این که برای شما مکاشفه ای یا معرفتی یا پیامی یا تعلیمی از جانب خدا بیاورم.

به عبارت دیگه بهتره نبوت کنید چون اون کلیسا رو بیشتر از زبان ها تقدیس میکنه . اهمیتی که بر نبوت قائل شده اند بالاتر از صحبت کردن به زبان ها در اول قرنیتیان 14 هست . عطایای روح رو همیشه طلب کرد . و اصولاً باید اونها رو طلب کرد . اول قرنیتیان 12:31 : پس با اشتیاق خواهان بهترین عطایا باشید و اکنون بهترین راه را به شما نشان خواهم داد .

راه محبت رو پیروی کنید . . با اشتیاق دنبال عطایای روحانی باشید . اشتیاقی که کلیسا رو بیشتر تقدیس میکنه . کتاب مقدس به ما تعلیم میده که از خدا عطایا رو بطلبیم و انگیزه ها رو آزمایش کنیم . نه اینکه بگیم من این عطیه رو به این منظور میخوام. بلکه باید گفت : من میخوام کلیسا تقویت بشه خداوندا . به من عطایایی بده تا کلیسا رو تقویت کنم . این درخواستی کتاب مقدسیه . اول قرنیتیان 1:14 –

پس همیشه در پی محبت باشید و در عین حال مشتاق کسب عطایای روح القدس و مخصوصاً عطیه نبوت باشید ، زیرا کسی که به زبان ها سخن می گوید روی سخن او با خداست نه با مردم چون دیگران آنچه را که او می گوید نمیفهمند ، زیرا او با قدرت روح القدس اسرار الهی را بزبان می آورد ، اما از طرف دیگر آنکه نبوت می کند برای تقویت و تشویق و تسلی دیگران با آنها سخن می گوید. کسی که به زبانها سخن می گوید تنها خود را تقویت می کند ، ولی کسی که نبوت می کند کلیسا را تقویت مینماید.

اول قرنیتان 12:14 میگه :

چون شما اشتیاق دارید صاحب عطایای روح باشید بکوشید بیشتر عطایائی را کسب کنید که باعث تقویت و پیشرفت کلیسا میباشد.

لازمه عطایای روحانی خود آزمایی هست . من شما رو به روشی کاملاً عملی تشویق میکنم . از خدا بخواید عطایاتون رو به شما نشون بده. واقعاً از خدا بخواید به شما حکمت بده . به علانق خودتون فکر کنید ، به آرزوهاتون و به قابلیت هایی که خدا به شما داده و بعد ضمن اینکه خدمت میکنید عطایای خودتون رو کشف کنید . عطایا برای خدمت داده شده اند . پس هر چه بیشتر در شرایط متفاوت در صحنه های مختلف فعالیت کنیم ، عطایای بیشتری خواهیم داشت . اینها عرصه هایی هستند که من احساس میکنم روح القدس به من عطیه داده یا اینها عرصه هایی هستند که آشکارا روح القدس به من عطیه نداده . شما میتونید از میوه های روح القدس تشخیص بدید که عطیه سرود خواندن به من عطا نشده . اشاره من اینجا به خصوص به رهبری پرستش هست . این احتمالاً یکی از عطایای من نیست . شما میتونید وقتی در مقابل دو هزار نفر می ایستید و سعی میکنید سرود بخونید این رو درک کنید .

برای جلال مسیح :

لازمه عطایای روحانی خود آزمایی هست بخاطر جلال مسیح . عطایای روح کلیسا رو سر افراز میکنه . چون هر چه عطایای بیشتری به کار بره بیشتر مسیح رو جلال میدیم .

افسیان 15:4 – 16 میگه :

بلکه در همان حالیکه حقیقت را با روح محبت بیان می کنیم ما باید در هر مورد در مسیح که سر است رشد کنیم. به اراده او همه اعضا مختلف بدن بوسیله مفاصلی که برای آنها فراهم شده مربوط و پیوند می شوند ، پس وقتی هر یک از اعضای بدن بطور جداگانه مرتب کار کند ، تمام بدن رشد می کند و خود را در محبت بنا می نماید.

عطایای روح بازگشت مسیح رو انتظار میکشه . اول قرن‌تیان 7:1 میگه :
و شما در حالیکه انتظار ظهور خداوند ما عیسی مسیح را میکشید از هیچیک از عطایای روح القدس بی
نصیب نیستید .

همینطور در اول قرن‌تیان 8:13 – 12 میگه :

نبوت از بین خواهد رفت و گفتن به زبانها خاتمه خواهد یافت و بیان معرفت از میان می‌رود، اما محبت
هرگز از میان نخواهد رفت. عطایای مانند معرفت و نبوت ، جزئی و ناتمام است، اما با آمدن کمال هر آن
چه جزئی و ناتمام است از بین می‌رود. موقعیکه بچه بودم بچگانه حرف می‌زدم و بچگانه تفکر و
استدلال می‌کردم. حالا که بزرگ شده‌ام از روش‌های بچگانه دست کشیده‌ام . آنچه را اکنون میبینیم
مثل تصویر تیره و تار آئینه است ولی در آن زمان همه چیز را روبرو خواهیم دید. آنچه را اکنون می
دانیم جزئی و نا کامل است ولی در آن زمان معرفت ما کامل خواهد شد ، یعنی به اندازه کمال معرفت خدا
نسبت به من !

ما در مورد اول قرن‌تیان 13 بعداً صحبت خواهیم کرد .

سؤال ...

اینجا سؤالی هست و مسأله جالب تر میشه . آیا عطایای معجزه آسا که به اونها در عهد جدید اشاره شده
، در کلیساهای امروزی اعتبار داره ؟ منظورم از عطایای معجزه آسا اینه . بعضی‌ها به اونها عطایای
معجزه آسا میگن و بعضی‌ها عطایای قابل توجه ، عطایای خاص ، عطایای مشخص یا عطایای فیض .
من صراحتاً میگم که این اصطلاح آخر رو زیاد دوست ندارم چون همه عطایا عطایای فیض هستند . اما
این میتونه شامل عجایب و نشانه‌ها ، اخراج ارواح ، نبوت ، زبان‌ها و شفا باشه که ما به اونها اشاره
خواهیم کرد .

دو دیدگاه ...

اساساً دو دیدگاه وجود داره . اولین دیدگاه ، دیدگاهی که به اون توقف یا پایان میگن . این دیدگاهی که
معتقده عطایای معجزه آسا مانند نبوت ، زبان‌ها ، شفا و آیات و نشانه‌ها همزمان با رسولان به پایان
رسیده و بنا براین ، مورد قبول در کلیساهای امروزی نیست . اینجا در این مورد نقل قولی از «جان مک
آرتور» هست . چهار عطیه موقتی نشانه‌ها شامل معجزات ، شفاه ، زبان‌ها و ترجمه زبان هاست .
این عطایای مشخص ، یک هدف منحصر به فرد داشت . که به رسولان اعتبار ببخشه . تا مردم بدونند
که این مردان همه حقیقت خدا رو بیان میکنند . اما وقتی کلام خدا تدوین شد ، عطایای مشخص یا نشانه
ها دیگر مورد نیاز نبود و متوقف شد . آیا این به نظر منطقی میاد ؟ این نظریه توقف هست . این در واقع

اشاره به زمانی می‌کنه که تدوین کتاب مقدس به پایان رسید و دیگه لزومی برای این عطایا نبود . وقتی رسولان رفتند ، دیگه نیازی به این عطایا نبود در نتیجه ، اونها متوقف شدند . نظریه بعدی نظریه تداوم هست که میگه ، عطایای معجزه آسا در دسترس تمامی پیروان مسیح هستند و بنا بر این هنوز هم در کلیساها فعال اند . این بیشتر یک تصویر پنتیکاستی کاریزماتیک هست . یک تصویر موج سومی . مخصوصاً در نهضت پنتیکاستی زبان ها یکی از نشانه های الزامی است که نشون میده شما تعمد روح رو دریافت کردید . بیایید به هر دوی این نظریات فکر کنیم.

نظریه پایان ...

من سعی خواهم کرد که اساساً در هر دو نظریه به یک اجماع کلی برسم. نظریه پایان میگه که عیسی و رسولان خدمت منحصر به فردی داشتند که عطایای معجزه آسا رو میطلبید . به عیسی نگاه کنید: *ای مردان اسرائیلی به این سخنان گوش دهید. عیسی ناصری مردی بود که مأموریتش از جانب خدا به وسیله معجزات و شگفتی ها و نشانه هائی که خدا توسط او در میان شما انجام داد به ثبوت رسید ، همانطوریکه خود شما خوب می دانید . اعمال 22:2* . در اثر آیات و معجزات بسیاری که توسط رسولان به عمل میامد خوف الهی بر همه مستولی شده بود.

اعمال 43:2

رسولان آیات و معجزات بیشماری در میان قوم انجام می دادند و با وحدت نظر در ایوان سلیمان جمع می شدند . اعمال 12:5

“ آن دو مدت زیادی در آن شهر ماندند و بدون ترس درباره خداوند سخن می گفتند . خداوند نیز با اعطای قدرت به آنها برای انجام آیات و معجزات ، پیام فیض بخش خود را تصدیق می فرمود . (اعمال 3:14

آیات و نشانه های معجزه آسا توسط پولس و بارنابا در بین غیر یهودیان به ظهور میرسید . اعمال 12:15 .

به دنبال سخنان پطرس همه ساکت ماندند و به گزارش برنابا و پولس در مورد آیات و معجزاتی که خدا بوسیله ایشان در میان غیر یهودیان انجام داده بود گوش می دادند .

این منحصر به رسولان بود. دومین جنبه از عطایای معجزه آسا اینه که این عطایا توسط خدا برای اعتبار بخشیدن به رسالت داده شد . به این دلیل که ما عجائب و نشانه ها و عطایای معجزه آسا رو در مورد رسولان میبینیم. چون خدا به اونها اعتبار میبخشه . به عبارت دیگه ، به سخنان اونها سندیت

میده .

دوم قرننیاں 12:12

علائمی که رسالت مرا ثابت می کند با صبر تمام در میان شما ظاهر شد : از جمله آیات و عجایب و معجزات بود

به آخر عبرانیان 2 : 2 – 4 نگاه کنید . گوش کنید چی میگه .

صحت کلامی که به وسیله فرشتگان بیان شد چنان به ثبوت رسید که هر خطا و نافرمانی نسبت به آن با کیفر مقتضی روبرو می شد. پس اگر مانجاتی به این عظمت را نادیده بگیریم چگونه می توانیم از کیفر آن بگریزیم؟ زیرا در ابتداء خود خداوند این نجات را اعلام نمود و آنانی که سخن او را شنیده بودند حقیقتش را برای ما تصدیق و تأیید کردند و در ضمن ، خدا با آیات و و عجایب و انواع معجزات و عطایای روح القدس طبق اراده خود گواهی آنان را تصدیق فرمود.

نظریه پایان میگه رسولان این چیزها رو به کار میگرفتند و این عجائب و نشانه ها و عطایای معجزه آسا کارهای اونها ثابت میکرد . به رسالت اونها اعتبار میبخشید . اما وقتی رسولان در عرصه نبودند ، دیگر نیازی به این عطایا نبود . و اونها متوقف شدند

نظریه تداوم ...

نظریه تداوم میگه عیسی ما رو برای ادامه خدمتی که شروع کرده بود میفرسته که عطایای معجزه آسا نیز از جمله اونهاست .

باز عیسی بهایشانگفت: “سلامبر شما باد. چنانکه پدر مرا فرستاد، مننیز شما را میفرستم.”

یوحنا 21:20

و ایشانرا فرستاد تا بهملکوتخدا موعظهکنند و مریضانرا صحتبخشند. لوقا 9:2

مریضانآنجا را شفا دهید و بدیشانگویید ملکوتخدا بهشما نزدیکشدهاست. لوقا 9:10

شفا دادن . در یوحنا 12:14 میگه :

آمینآمینبهشما میگویمهر کهبهنمایمانآرد، کارهایبیرا کهمنمیکنماو نیز خواهد کرد و بزرگتر از اینها نیز خواهد کرد، زیرا کهمننزد پدر میروم.

به هر حال نظریه تداوم این رو هم میگه که عطایا معجزه آسا نشانه هایی در بین پیروان مسیح هستند

که رسولان عهد جدید نیستند . اعمال 8:6 میگه

اما استیفا نپر از فیضو قوتشده، آیاتو معجزاتعظیمهدر میانردماز او ظاهر میشد.

و همینطور اعمال 6:8 میگه

و مردمبهبیکدلبسخنانفیلپسگوشدادند، چونمعجزاتیرا کهاز او صادر میگشت، میشنیدند و میدیدند،

پولس در غلاطیان 5:3 میگه :

پسانکهر و حرا بهشما عطا می کند و قواتدر میان شما بهظهور می آورد، آیا از اعمالشریعتیا از خبر

ایمانمی کند؟

ما مشابه این چیزها رو در اول قرننیاں 7:12 – 10 میبینیم.

ولی هرکسرا ظهور روحبجهتمنفعتطا می شود. ۸ زیرا یکی را بوساطتروح، کلامحکمتدادهمی شود و

دیگری را کلامعلم، بحسبهمانروح. و یکی را ایمانبههمانروحو دیگری را نعمتهای شفا دادنبههمانروح.

و یکی را قوتمعجزاتو دیگری را نبوتو یکی را تمییز ارواحو دیگری را اقسامزبانها و دیگری را

ترجمهزبانها.

او خطاب به کلیسای در قرنتس صحبت میکنه . پس کدومش درست هست ؟ آیا اونا متوقف شدند یا نه

؟

نتیجه گیری ...

این نتیجه ای هست که من از تعالیم کتاب مقدس بیرون کشیدم . اولاً ما باید اقتدار منحصر به فرد مسیح

و رسولان در عهد جدید و انبیاء عهد قدیم رو رو محترم بشماریم .

منظورم اینه که چیزی منحصر به فرد هست که در مورد رسولان میبینیم. مثلاً رسولان رو در عهد جدید

به یاد میارید ؟ کلمه رسولان گاهی به طور عام به کسانی اشاره میکنه که فرستاده شده اند . و به لحاظی

میشه گفت هر کسی که فرستاده میشه ، یک رسول هست . اما اغلب اوقات عهد جدید به این گروه از

مردانی که همراه عیسی بودند و شاهدان عینی مرگ و قیام او بودند ، به عنوان رسول اشاره میکنه .

البته به جز یهودا . و متیاس که بعداً اضافه شد . و پولس هم بعدها به جمع اونها اضافه شد . شکی

نیست که چیز منحصر به فردی در مورد این رسولان هست . اونها خودشون رو وقف تعالیم رسالت

کردند . رسولان کسانی هستند که کلام خدا رو به صورت انجیل امروزی به ما دادند . درضمن ما باید

خدمت بی اندازه روح رو در کلیسای امروزی ارج بنهیم . من ایمان دارم که ما باید مراقب و هشیار

باشیم فعالیت های روح رو در حوزه هایی که کتاب مقدس اون رو محدود نکرده ، محدود نکنیم . وقتی

در جاهای مختلف سفر میکنم ، شهادت هایی از کارهای روح رو میبینم و میشنوم . طوری که نظیرش

رو قبلاً نه دیده و نه تجربه کرده ام . حالا اگر کتاب مقدس مستقیماً به بعضی از اون چیزها اشاره میکنه

، پس باید به وضوح کتاب مقدس رو پیروی کنیم. اما اگر کتاب مقدس مستقیماً در مورد بعضی از این چیزها صحبت نمیکنه ما باید مراقب باشیم که به خدمت روح در کلیسا احترام قائل بشیم .

اینجا لازمه چند تا نصیحت عملی بهتون بکنم . چطور به این چیزها فکر میکنید ؟ اولاً توصیه من اینه که اون عطایای روحانی رو بطابید که بیشتر کلیسا رو تقدیس میکنن . این ساده و آشکاره . کتاب مقدس به ما نمیگه دنبال عطایای معجزه آسا و یا غیر معجزه آسا بگردیم . من میگم که دنبال عطایایی باشید که کلیسا رو بیشتر تقدیس میکنه . هر چیزی که بیشتر مورد نیاز کلیسا هست اون رو بطلبید . در ثانی انجیل رابه گمشدگان برسونید . مخصوصاً به کسانی که غیر قابل دسترسی هستند و هیچ الهام دیگه ای ندارن . سعی خواهم کرد که سریع از این رد بشم . اما فکر میکنم چیزی که ما در عهد جدید مخصوصاً در کتاب اعمال میبینیم اینه . به محض اینکه کلام مسیح ، انجیل مسیح و روح مسیح وارد مکان های جدید میشه ، اونجا با ظهور آیات و عجایب ، چیزهای معجزه آسایی اتفاق می افته . که این به کلام خدا اعتبار می بخشه . وقتی به کارهایی که خدا در دنیای امروزی انجام میده نگاه میکنم ، میبینم که وقتی انجیل در مکان های جدید ، گسترش پیدا میکنه ، عملاً مکان های غیر قابل دسترسی اینجا جاییه که بیشترین نشانه و عجایب رو میبینیم. فکر میکنم اینجا این برای اعتبار بخشیدن به کلام خدا در جاهایی هست که برای اولین بار کلام خدا به اونجا میرسه . در ضمن ، وقتی که برای اولین بار استقرار کلام خدا رو در جایی میبینیم ، و میبینیم که مردم با کلام اشباع میشن ، اون وقت نیاز کمتری به آیات و عجایب خواهیم داشت . به این دلیل که به مثل مرد ثروتمند و ایلعادر که عیسی میگه اشاره خواهم کرد . وقتی مرد ثروتمند توی جهنم هست او میگه ، نزد برادرم برو و به او بگو این واقعیت داره . و ابراهیم به او میگه اونا حتی اگه ببینن کسی از عالم مردگان برخاسته ، فرقی به حالشون نخواهد کرد . اونها کلام رو دارن . اونها انبیا رو دارن . اما اون رو رد میکنن . اونها به چیزی که کلام و انبیا گفته اند ، گوش نمیکنن . به این دلیل که من فکر نمیکنم نیازی باشه که تمام آیات و عجایب رو در کلیساها و فرهنگ امروزی داشته باشیم . چون که ما کلام رو داریم و اگه به اون باور کنیم و از اون پیروی کنیم و به اون اعتماد کنیم ، خواهیم دید که قدرت خدا در زندگیمون کار میکنه . ما کلام رو نادیده گرفتیم . یقیناً نباید کلام خدا رو نادیده بگیریم و عجایب و نشانه ها رو جایگزین اون کنیم . در ضمن وقتی ما به دنبال گمشدگان میریم مخصوصاً در مناطق دور دست که هیچ مکاشفه ی خاصی ندارن ، ما باید به اقتدار کلام خدا اعتماد کنیم . این کلام قدرت نجات داره . به طرف تاریک ترین و دور افتاده ترین اقوام روی زمین برید . جاهایی که از کلام خدا فاصله دارن . این کلام قدرت داره که نجات بده . وقتی میرید از خدا بخواید که کلام خودش رو تأیید کنه . من نمیگم میدونم تمام اینها مؤثره اما میگم که بهتر اینه که کلام رو به

جاهای دور افتاده ببرید . فرصتی برام پیش اومده که به زودی به هندوستان خواهم رفت . قراره برم و انجیل رو موعظه کنم . کلام خدا رو با مردم در میون بذارم و از روح القدس بخوام نشون بده این کلام حقیقت است به طوری که برای روح القدس و مسیح جلال بیاره . این چیزیه که من شما رو به اون تشویق میکنم . این چیزیه که واقعاً دوست دارم مطرح کنم . شاید پیرسید شبان دست آخر ، نگفتید که معتقد به نظریه پایان هستنید یا تداوم ؟ شماره یک ، در مورد روح القدس رو راست باشید . من شما رو تشویق میکنم که کسانی باشید که در مورد روح القدس رو راست باشید . و وقتی با برادران و خواهران در سراسر دنیا در باره کار روح القدس صحبت میکنید رو راست و صمیمی باشید . من نمیخوام گوشه ای بشینم و بگم عطایای معجزه آسا امروز کاربرد نداره . و متوقف شده . من فکر نمیکنم نشانه های کتاب مقدسی کافی برای گفتن این داشته باشیم که اونها قطعاً متوقف شدند . بعداً در این مورد به تفصیل صحبت خواهیم کرد . در ضمن هم آزادی هست و هم روح تشخیص وجود داره . در مورد روح خدا آزاد باشید در عین حال بر اساس کلام خدا تشخیص بدید . انکار و مخالفت با کار روح القدس در کلیساهای امروزی حتی به مغز من هم خطور نمیکنه . در ضمن نمیخوام چیزی رو به روح نسبت بدم که کلام خدا میگه به روح القدس نسبت ندید . پس فکر میکنم که لازمه خیلی هشیار باشیم و بر اساس کلام خدا تشخیص بدیم . لازمه که مطمئن بشیم وقتی کار روح القدس رو شرح میدیم ، و کاری رو به روح نسبت میدیم ، این مطابق با کتاب مقدس باشه . این بهترین حالت ممکنه . آزاد باشید اما تشخیص هم بدید . اساساً من در کتاب مقدس دلایل کافی مبنی بر به پایان رسیدن عطایایی که فرض شده بعد از رسولان متوقف شده ، نمیبینم . در ضمن دلایل کافی برای اهمیت ادامه اونها هم نمیبینم . جز زمان های خاص . در عوض من فکر میکنم ما باید در عین آزاد بودن هشیار و بصیر هم باشیم تا بر طبق کلام خدا تشخیص بدیم .

نبوت چی هست ؟

عطیه نبوت

به نبوت میرسیم . اول قرنیتیان 8:13 – 13 میگه :

محبتهرگز ساقطنمیشود و اما اگر نبوتها باشد، نیستخواهد شد و اگر زبانها، انتها خواهد پذیرفتو اگر علم، زایلخواهد گردید. زیرا جزئی علمی داریمو جزئی نبوتی نماییم، لکنهنگامی کهکاملآید، جزئی نیستخواهد گردید. زمانی کهطغلبودم، چونطغلفرمی زدمو چونطغلفکر می کردموم مانند طفلتعقلمی نمودم.

اما چون مرد شدم، کارهای طفلانها را ترک کردم. زیرا که الحالد آینه بطور معما می بینیم، لکن آنوقت روبرو؛ الانجزئی معرفتی دارم، لکن آنوقت خواهم شناخت، چنانکه نیز شناخته شده‌ام. و الحال این سه چیز باقی است: یعنی ایمانو امید و محبت. اما بزرگتر از اینها محبت است.

اینجا مثالی از نبوت هست. بر اساس قرنیتان 13 عطیه نبوت موقتی هست. این موقتی هست. و اما اگر نبوتها باشد، نیست خواهد شد.

اینجا دو گزینه وجود داره. آیا وقتی که کار روح القدس تموم میشه، نبوتها نیست خواهد شد؟ این چیزیه که نظریه توقف یا پایان میگه. بر اساس این نظریه وقتی دوره رسولان به سر رسید و رسولان دیگر در صحنه نبودند، نبوتها هم به پایان رسید. اونها میگن ما کتاب مقدس رو داریم و به نبوت نیازی نداریم. گزینه دوم اینه: آیا اون زمانی که عیسی برگرده، نیست خواهد شد؟ این موقعیتی که بیشتر برای کسانی که معتقد به نظریه تداوم هستند، قابل پذیرشه. و اون برگرفته از متنی در اول قرنیتان 13 هست. اساساً چیزی که شما میبینید، نبوتهاست که نیست همیشه.

زیرا جزئی علمی داریم جزئی نبوتی نماییم، لکن هنگامی که کاملاًید، جزئی نیست خواهد گردید. پس نبوت علمی جزئی هست و وقتی کامل بیاید، جزئی از بین خواهد رفت. این نکته ایه که مورد بحث هست چون نظریه پایان میگه: «وقتی کامل بیاید» و به زمانی اشاره داره که کلام تکمیل میشه. وقتی که کتاب مقدس تکمیل میشه. این زمانیه که کامل میاد. من با این موافق نیستم. من چنین استنباطی از اول قرنیتان 13 ندارم چون فکر میکنم وقتی کامل آید، اشاره به زمانی داره که عیسی برمیگرده. فکر میکنم این بسیار واضحه. وقتی به ادامه این متن نگاه میکنید، میگه، زیرا که الحالد آینه بطور معما می بینیم، لکن آنوقت روبرو؛ الانجزئی معرفتی دارم، لکن آنوقت خواهم شناخت، چنانکه نیز شناخته شده‌ام.

این در مورد جلال یافتن ما صحبت میکنه. در مورد زمانی صحبت میکنه که ما مسیح رو خواهیم دید و برای مسیح کاملاً آشکار خواهیم شد. نجات ما کامل خواهد شد. این همین طور با چیزی که پولس قبلاً در اول قرنیتان 1:7 گفته مطابقت داره. وقتی که او در مورد عطایای روحانی داده شده به ما ما صحبت میکنه در حالیکه منتظر ظهور خداوندمان عیسی مسیح هستیم. عطیه نبوت، موقتی توصیف شده اما من گمان نمیکنم که در اول قرنیتان 13، تعلیم قطعی برای ما وجود داشته باشه که وقتی کتاب مقدس تکمیل بشه، نبوت متوقف خواهد شد. بعد به اول قرنیتان 14 میرسید و شرحی از نبوت رو در اینجا میبیند.

اول قرنیتان 1:14 – 5 میگه:

در پی محبتکوشید و عطایای روحانی را بهغیر تبطلید، خصوصاً اینکهنبتکنید. زیرا کسی کهبهبزبانی سخنی گوید، نهبهمردمبلکهبهبخدا می گوید، زیرا هیچکسنمیفهد لیکندر روحبهاسرار تکلمی نماید. اما آنکهنبتمی کند، مردمرا برای بنا و نصیحتو تسلی می گوید. هرکهبهبزبانی می گوید، خود را بنا می کند، اما آنکهنبتمی نماید، کلیسا را بنا می کند. و خواهشدار مکهمهمشما بهزبانها تکلمکنید، لکنبیشتر اینکهنبتنمایید زیرا کسی کهنبتکند بهتر استاز کسی کهبهبزبانها حرفزند، مگر آنکهترجمهکنند تا کلیسا بنا شود.

من معتقدم که اول قرنهای 1:14 - 5 میگذشت تا وقتی که عیسی برگردید، مسیحیان مشتاق عطیه نبوت هستند چون کلیسا با عطیه نبوت تقدیس میشد. سوال جالب اینجا اینست. اگر عطیه نبوت وجود دارد، آیا این به این معنیست که در کلیساهای امروزی اشعیا ها و ارمیا هایی وجود دارند که بایستند و کلام خدا رو با همون اقتداری که اشعیا و ارمیا بیان میکردند، بیان کنن؟ من فکر نمیکنم این چیزی باشه که کتاب مقدس به ما تعلیم میده. میخوام این رو بهتون نشون بدم.

سه دسته نبوت وجود دارند :

نبوت دروغین ...

اینطور بهش فکر کنید. سه دسته نبوت وجود دارد و اولینشون نبوت دروغین هست. تثیه 3:13 میگذشت :

سخنان آنبیا بیندهو ابرامشنو، زیرا کهبهبهوه، خدایشما، شما را امتحانمیکند، تا بداند کهآیا بیهوه، خدایخود را بهتمامیدلو بهتمامیجانخود محبتمینمایید؟

تثیه 20:18 میگذشت :

و اما نبیایکهجسارتنموده، بهاسمنسخنگوید کهبهبهگفتنشامر نفرمودم، یا بهاسمخدایانغیر سخنگوید، آنبیاالبتهکشتتهدشود.»

ارمیا 16:23 میگذشت :

یهوهصبایوتچنینمیگوید: «بهسخنانایانبیایکهبرایشما نبوت میکنند گوشمدهید زیرا شما را بهبطالتتعلیممیدهند و رویایدلخود را بیان میکنند و نهاز دهانخداوند.

همه اینها در مورد انبیا دروغینی صحبت میکنند که نبوت های دروغین میکنند .

میتونیم نبوت دروغین رو اینطور تعریف کنیم . نبوت دروغین عبارت از دروغهای فریبکارانه و

حرفهای دغل هست که هیچ مبنای مکاشفه ای نداره. این چیزی نیست که خدا برای نبی کاذب مکاشفه کرده باشه. هیچ مبنای مکاشفاتی نداره . اونها حرف هایی فریبکارانه هستند . اونها ادعا میکنند که از

طرف خدا حرف میزنند در حالیکه چیزی از خدا دریافت نکرده اند . اون ندیده گرفتن کتاب مقدس الهی هست . این نبوت دروغین هست .

نبوت حقیقی ...

نبوت حقیقی چیزی هست که در اشعیا ، ارمیا ، حزقیال و دیگر انبیا در عهد قدیم میبینیم . اشعیا 1:61 – 4 میگه :

روح خداوند یهو بر مناستزیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینانرا بشارت دهمو مرا فرستاده تا شکستهدلانرا التیامبخشمو اسیرانرا بهرستگاریو محبوسانرا بهآزادیندا کنم، و تا از سالپسندید خداوند و از یومانتقامخدا یما ندا نمایمو جمیععامت میانرا تسلیبخشم. تا قرار دهمبرایماتمیان صهیونو بهایشان ببخشم تا جیرا بهعوض خاکستر و روغنشادمانیرا بهعوض نوحهگریو ردایتسیبحرا بهجایرو حکمورتتا ایشاندرختانعدالتو مغروسخداوند بهجهتتمجید وینامید هشوند. و ایشان خرابه های قدیم را بنا خواهند نمود و ویرانه های سلف را بر پا خواهند داشت و شهرهای خراب شده و ویرانه های دهرهای بسیار را تعمیر خواهند نمود.

نبوت حقیقی عبارت است از حقایقی وحی شده . این مبتنی بر صحبت هایی است که مکاشفه شده . منظورم اینه که خدا کلام خودش رو آشکار میکنه و انبیاء اون رو بیان میکنن . و نتیجه اون کتاب مقدس الهی هست . انبیاء صحبت میکنند و ما کتاب مقدس رو داریم . این کاری بود که انبیا در عهد قدیم میکردند . ارمیا 9:1 میگه :

آنگاه خداوند دستخود را دراز کرده، دهانمرا لمس کرد و خداوند بهمنگفت: «اینکلام خود را در دهانتو نهادم.

در عهد جدید ، رسولان عهد جدید ، انبیا هستند . کتاب مقدس در رومیان 1:1 میگه :

پولس، غلامعیسی مسیحو رسولخوانده شدهو جدا نمود هشد هبرایانجیلخدا،

به اول قرننویان 13:2 نگاه کنید که میگه:

کهانها را نیز بیانی کنیمنه بهسخنانآموختهد هاز حکمتانسان، بلکه بهآچهره وحالقدسمی آموزد و روحانیها را با روحانیها جمع می نمایم.

اما ای برادران شما را اعلام می کنماز انجیلی کهمنبدان بشارتدادم که بهطریقانسان نیست. زیرا کهمن آنرا از

انساننیافتمو نیاموختم، مگر بهکشفعیسی مسیح. غلاطیان 11:1 – 12

اینر سالهدومرا ایحبیبانالاتبهشما مینویسم که بهاینها نهدو، دل پاکشما را بهطریق یادگار ببر میانگیزانم، ۲ تا

بخاطر آرید کلماتیکهانبیاایمقدس، پیشگفتهاند و حکمخداوند و نجاتدهند هرا کهبهرسولانشما دادهشد. دوم

پطرس 1:3 – 2

رسولان الان کاری رو میکنند که انبیاء قبلاً انجام داده اند. وقتی صحبت میکنند با هدایت روح حرف میزنند. و اون منجر به ایمان به کتاب مقدسی میشه که ما داریم. انبیا عهد قدیم و رسولان عهد جدید، آیاتی رو به ما میدن که حقیقی و مصون از خطا هستند. آیاتی که معتبر و حقیقی هستند. این کلام خداست. نه کلام انسان. این کلام خدا توسط انسان هست. این منحصر به فرده. هیچ کتابی مثل این که در دست ما هست وجود نداره. این کتاب برای ما کفایت میکنه. حقیقی، معتبر، منحصر به فرد و دارای صلاحیت. این کتاب تمامی اون چیزی رو که ما برای زندگی و خداشناسی نیاز داریم در خودش داره. خدا توی آسمان ننشسته که چیزهایی رو که قبلاً فراموش کرده، حالا بخواد به کلامش اضافه کنه. هرچیزی که ما نیاز داریم اینجا وجود داره. این برای ما کفایت میکنه و کامل هست و به جلد دومی نیاز نداره. لازم نیست که این کتاب توسط کسی به روز بشه و یا اصلاح بشه. این چیزیه که ما در کتاب مقدس میبینیم.

عطیه نبوت ...

ما نبوت دروغین داشتیم، نبوت حقیقی داشتیم، انبیا عهد قدیم و رسولان در عهد جدید. بعد شرحی از عطیه نبوت رو میبینیم. که در موردش در اول قرن تیان 14:29 – 31 صحبت شده. و از انبیا دو یا سه سخن گویند و دیگران تمیز دهند. و اگر چیزی به دیگری از اهل مجلس مکشوف شود، آنرا ولسا کت شود. زیرا که مهمی توانید یکی نبوت کنید تا مهمت تعلیم یابند و همهنصیحت پذیرند. سطحی از نبوت وجود داره که در هیچ کدام از این دو دسته قرار نمیگیره، و اون مربوط به عطیه نبوت هست. من فکر میکنم چیزی که کتاب مقدس اینجا میگه، این هست که نوعی حرف زدن هست که شامل حرف های سریع و آنی روح القدس هست. گفتن چیزی که خدا با روح خودش بی اختیار به ذهن ما میاره و ما شروع به صحبت میکنیم. اون مربوط به صحبت های غیر مستقیمی هست که بر مبنای مکاشفه محرز هست. چیزی که باید در این مورد گفت اینه که چنین شخصی یک پولس جدید نیست که به عرصه اومده و مکاشفه جدیدی از خدا به او میرسه که به کلیسا بده. این روح القدس هست که با ما حرف میزنه، و ما رو وادار به صحبت میکنه، بر اساس چیزی که در کتاب مقدس هست. و توسط کتاب مقدس الهی، آزموده شده. اول تسالونیکیان 19:5 – 21 میگه:

روح را اظفا مکنید. نبوتها را خوار شمارید. همه چیز را تحقیق کنید، و به آنچه نیکو است متمسک باشید. به این دلیل گفتیم که دیگران باید به دقت چیزی رو که گفته میشه، بسنجند. وقتی نبی عهد قدیم صحبت میکنه مثلاً اشعیا نمیداد که بگه: ای مردان لازمه که چیزی رو که به شما میگم به دقت بسنجید. اشعیا ظاهر میشه و میگه گوش کنید، این چیزیه که یهوه خداوند میگه.. این همون چیزیه که رسولان عهد جدید هم میگفتند. وقتی عطیه نبوت به کار گرفته شد، اون همیشه به دقت مورد ارزیابی قرار گرفته. و آزمایش شده. چون عطیه نبوت کامل نیست. اون جایز الخطاست. در دوم تسالونیکیان 1:2 – 3 پولس درباره نبوت هایی که اشتباه هستند هشدار میده. او میگه:

اما ای برادران، از شما استدعا میکنم در باره ما آمدن خداوند ما عیسی مسیحو جمع شدن ما به نبرد او، که شما از هوش خود بزودیم تنزل نشوید و مضطرب نگردید، نه از روح و نه از کلام و نه از رساله های که گویا از ما باشد، بدین مضمون که هر روز مسیح رسیده است. زنهار کسبیه هیچ وجه شما را نفریبید، زیرا که تا آنارتداد، اول واقع نشود و آن مرد شریر یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد، آن روز نخواهد آمد؛ این موعظه و تعلیم کلام نیست. چون که اون در رومیان 6:12 – 7 جزء عطایای جداگانه، ذکر شده. اون میگه:

پس چون نعمتهای مختلف داریم بحسب فیضیکه به ما داده شد، خواهن بوتبر حسب موافقت ایمان، یا خدمت در خدمتگزاری، یا معلم در تعلیم،

بعضی ها فکر میکنند، چطور روح میتونه کسی رو وادار به سخن گفتن بکنه، که مصون از خطا نباشه. و دارای اشتباه باشه؟

اینطور بهش فکر کنید؛ در پرتو تعالیم کلی، من بیشتر یکشنبه ها رو در این خانواده ایمانی کلام رو درس میدم. ایا این امکان هست که من چیزی رو اشتباه بگم؟ قطعاً. هر چیزی که من میگم مصون از خطا نیست. یقیناً چیزهای اشتباهی میتونه باشه. اما من دعا میکنم و امیدوارم که روح خدا در تعلیم به من الهام بده. به همون ترتیب، اینجا هم به عنوان مثال، نمونه ای هست از نبوت آنی که توسط روح القدس الهام میشه. اما چون در سطحی نیست که ما در مورد انبیا عهد قدیم و رسولان عهد جدید شرح دادیم، بنا بر این مصون از خطا نیست و به عنوان حقیقت معتبر برای ما سندیت نداره. اون باید با حقیقت معتبر و مصون از خطا آزموده بشه. وقتی در عهد جدید به عطیه نبوت نگاه میکنید، میبینید که مردم در باره آینده صحبت میکنن. اعمال 28:11 میگه:

که یکبار ایشانا غابوس نامبر خاسته، به روحاشاره کرد که قحطی شدید در تمامیر بعمسکون خواهد شد و آن در ایام کلودیوس قیصر پدید آمد.

اعمال 10:21 – 11 میگه :

و چونروز چند در آنجا ماندیم، نبیایا غابوسناماز یهودیهرسید، و نزد ما آمده، کمر بند پولسرا گرفتھو دستھا و پایھا خود را بسته، گفت: “روحالقدس میگوید کھیودیاندر اورشلیمصاحباینکمر بند را بههمینطور بسته، او را بهدستھایامتها خواهند سپرد.”

می بینید که مردم گناه رو در قلب غیر ایماندارن آشکار میکنند . در اول قرننتیان 24:14 – 25 میگه :
اما اگر همه شما نبوت کنید و شخص تازه ایمان یا بی ایمان به مجلس شما داخل شود آنچه را او می شنود او را به گناھاتش آگاه می سازد و بوسیله سخنانی که می شنود دآوری میشود و اندیشه های پنهانی او فاش خواهد شد و بزانو در آمده خدا را پرستش خواهد کرد و اعتراف می کند که واقعاً خدا در میان شماست .

و همینطور کلیسا رو تشویق میکنه . در اول قرننتیان 3:14 میگه :
اما از طرف دیگر آنکه نبوت می کند برای تقویت و تشویق و تسلی دیگران با آنها سخن می گوید .

مفاهیم...

اینجا دو مفهوم وجود داره . یادتون باشه که کتاب مقدس به تنهایی شامل حقایق معتبر برای تمامی اوقات و شرایط هست . بنا بر این کلام رو یاد بگیرید . ما نه به انبیا عهد قدیم نیازی داریم و نه لزومی هست که کسی در سطح رسولان عهد جدید ، برای ما نبوت بکنه . کتاب مقدس کافی و بسنده هست . هرچیزی رو که نیاز داریم در اون وجود داره . این کتاب اقتدار ما هست . نه چیزی که من و شما میگیریم . این کتاب اعتبار ما هست . بنا بر این لازمه این کلام رو بدونیم . دومین مفهوم اینه که روح القدس شاید عطیه نبوت رو برای پذیرفتن حقیقتی کتاب مقدسی در زمان های خاصی و شرایط خاصی به کسی اعطا کنه . بنا بر این روح رو بطلبید . به عبارت دیگه من فکر میکنم کتاب مقدس به ما شرحی از زمان هایی رو میده که روح القدس کسی رو بر اساس کلام و ادار به صحبت کردن میکنه . برای تقدیس کردن و تشویق کلیسای امروزی . و این چیزیه که در اول قرننتیان 14 از اون صحبت شده .

زبان ها چی هست ؟

اول قرننتیان 7:12 – 11

در هر فرد ، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می کند، مثلاً روح لقدس بیکی بیان حکمت عطا می کند و بدیگری بیان معرفت . بیکی ایمان میبخشد و به دیگری قدرت شفا دادن ، به یکی قدرت اعجاز و به دیگری قدرت نبوت و به سومی عطیه تشخیص ارواح عطا می کند ، به یکی قدرت تکلم بزبانها و به دیگری قدرت ترجمه زبانها را میبخشد. اما کلیه این عطایا کار یک روح واحد است و او آنها را بر طبق اراده خود به هر کس عطا می فرماید.

سردرگمی حتمی ...

من فکر میکنم ما یقیناً در مورد زبان ها سردر گم میشیم . منظورم این هست . زبان ها برای بسیاری از مردم با یقینی درونی مشخص شده . بعضی از شما فکر میکنید زبان ها چیه ؟ این سؤال اصلاً مهم نیست . من در خلوت دعایی خودم به زبان ها صحبت میکنم . و یا در کلیسایی که عضو ش هستم به زبان ها صحبت میکنم . پس چرا این سؤال حتی باید مطرح بشه ؟

شما به طور شخصی این رو تجربه کردید . پس یقین حاصل کردید . میخوام اینجا کمی مراقب باشیم . اما تنهامشکل اینه که هر تجربه مذهبی ای ، از خدا نیست . به این دلیل که ما چیزی رو تجربه کردیم که واقعیت این رو نشون نمیده . من نمیخوام با گفتن این کسی رو برنجونم اما چیزهایی مشابه صحبت به زبان ها در مذاهب دنیوی دیگر مثل افسونگری و جادوگری وجود دارند . یقیناً تجربیات مذهبی وجود دارند که از روح خدا نیستند . در ضمن زبان ها برای بسیاری تبدیل به هدفی گنج کننده شده . افراد زیادی وجود دارند که فکر میکنند زبان ها چیزی عجیب، و خطرناک هست و باید به هر قیمتی شده از اون اجتناب کرد . نظریه پایان یا توقف میگه که زبان ها خاتمه یافته . اما من واقعاً ایمان دارم که هیچ نشانه معتبر کتاب مقدسی برای توقف زبان ها یا نبوت یا شفا وجود نداره . هیچ شاهد کتاب مقدسی معتبری وجود نداره . پس نظر ما در مورد این چیزها چیه ؟

زبان ها اینطور تعریف شده اند ...

در پنتیکاست زبانها ، زبانی قابل فهم بود که شاید بلافاصله ترجمه شد . اونها به زبان های قابل فهم صحبت میکردند . اونها به زبان هایی صحبت میکردند که برای اقوام و ملت های مختلف قابل فهم بود . در اعمال 1:2 – 12 اینطور میگه :

برادران عزیز، حتی نخستین بار که به نزد شما آمدم ، وقتی پیام خدا را برای شما اعلام می کردم از کلمات مشکل ادبی و افکار فلسفی استفاده نکردم ، زیرا قصد داشتم فقط و فقط درباره عیسی مسیح و مرگ او بر صلیب سخن بگویم . بنابراین ، با ضعف و ترس و لرز بسیار نزد شما آمدم . پیام و سخنانم

نیز بسیار ساده و خالی از حکمت انسانی بود، اما قدرت روح خدا در آن دیده می شد و ثابت می کرد که پیام من از جانب خداست . من عمدا چنین کردم ، تا پایه ایمان شما بر قدرت خدا باشد، نه بر حکمت انسان .

۶ با اینحال ، وقتی در میان مسیحیان باتجربه هستم ، در سخنانم از حکمت و فلسفه استفاده می کنم ، اما نه از حکمت و فلسفه ای که مورد پسند دنیا و بزرگان آنست ، بزرگانی که محکوم به نابودی اند. سخنان ما حکیمانه است ، زیرا از جانب خدا و درباره نقشه حکیمانه اوست ، نقشه ای که هدفش رساندن ما به حضور پر جلال خداست . اگر چه خدا این نقشه را پیش از آفرینش جهان برای نجات ما طرح کرده بود، اما در گذشته آن را بر هیچکس آشکار نساخته بود. حتی بزرگان این دنیا نیز آن را درک نکردند، زیرا اگر درک می کردند، “خداوند جلال” را به صلیب نمی کشیدند. کتاب آسمانی نیز در این مورد می فرماید که خدا برای دوستداران خود، چیزهایی تدارک دیده است که هیچ انسانی هرگز ندیده ، نشنیده و به فکرش نیز خطور نکرده است . اما خدا این امور را توسط روح خود بر ما آشکار ساخته است ، زیرا روح خدا از عمیق ترین اسرار خدا آگاهی دارد و آنها را بر ما آشکار می سازد. هیچکس نمیتواند بداند که در باطن شخصی دیگر چه می گذرد، مگر خود آن شخص . به همین ترتیب ، هیچکس نمی تواند افکار و نقشه های خدا را درک کند، مگر روح خدا. خدا در واقع روح خود را به همین منظور به ما عطا فرموده است تا توسط او بر ما آشکار کند که چه هدایای پرشکوهی از لطف و برکت خود، نصیب ما ساخته است . بدیهی است روحی که ما یافته ایم ، با روح این دنیا تفاوت دارد.

در جای دیگر مثلاً چیزی که پولس خطاب به قرننتیان میگه ، اینه که زبان ها ، زبان های غیر قابل فهم هستند که باید بلافاصله تفسیر بشند . نه ترجمه بلکه تعبیر یا تفسیر . چونکه اونها غیر قابل فهم هستند . اول قرننتیان 19:14 میگه :

اما وقتی با دیگران خدا را عبادت می کنم ، ترجیح می دهم پنج کلمه به زبانی سخن بگویم که همه بفهمند و استفاده کنند، تا اینکه هزاران کلمه به زبانهای غیر تکلم کنم که کسی نمی فهمد .
و اول قرننتیان 2:14 میگه :

اگر کسی عطای سخن گفتن به زبانها را دارد، یعنی به زبانهایی سخن می گوید که قبلاً نیاموخته است ، در اینصورت ، با این زبانها فقط با خدا سخن می گوید نه با مردم ، زیرا دیگران گفته های او را درک نمی کنند، چون او با قدرت روح القدس ، بصورت راز تکلم می کند.

این بدون یک مفسر قابل فهم نیست . صحبت به زبان ها مربوط به دعا یا پرستش هست . صحبت با هجاهایی که برای خود گوینده هم نا مفهوم هست .

صحبت کردن به زبان ها مستقماً خطاب به خدا هست . در دعا یا پرستش با هجاهایی صحبت میکنند که حتی برای خود گوینده هم مفهوم نیست . و اساساً خطاب به خدا هست . اول قرنیتان 14:14-17 میگه :

زیرا اگر به زبانی دعا کنم که آن را نمی فهمم ، در واقع روح من دعا می کند و خودم از آنچه می گویم ، بی خبرم . پس چه کنم ؟ باید هم به این زبانها دعا کنم و هم به زبان خودم ؛ هم به این زبانها سرود بخوانم و هم به زبان خودم ، تا همه بفهمند . زیرا اگر شما خدا را به زبانی شکر گویند که فقط روح خودتان می فهمد ، چگونه دیگران بتوانند به دعای شکرگزاری شما آمین بگویند ، در حالیکه نمی فهمند چه می گویند؟ شکی نیست که شما بسیار عالی خدا را شکر می گویند ، اما حاضرین بهره ای نمی برند .

این چیزیه که در روح اتفاق می افته . روح من دعا میکنه . این چیزیه که اول قرنیتان در موردش صحبت میکنه . زبان های غیر قابل فهم که باید تفسیر بشه ، از قبیل دعا و پرستش با هجاهایی که برای خود گوینده هم مفهوم نیست بلکه مستقیماً خطاب به خدا هست در روح .

تعریف زبانها

تعریف عمومی زبانها . در اول قرنیتان 14:27 - 28 اینطور آمده

اگر کسانی می خواهند به زبانهای غیر حرف بزنند ، تعدادشان نباید بیش از دو یا سه نفر باشد ، آن هم به نوبت . یک نفر نیز باید این زبانها را ترجمه کند . اما اگر کسی نباشد که ترجمه کند ، ایشان باید در سکوت با خود و با خدا به زبانهای غیر سخن گویند ، نه در حضور همه و با صدای بلند .

این نظریه به این دلیل هست . یولس میگه لازمه صحبت به زبانها حضور یک مترجم هست که معنی کلی آن سخنان رو برای کلیسا بیان کنه . اگر تفسیر کننده ای وجود نداشته باشه ، اون وقت کسی که به زبانها صحبت میکنه باید ، بی صدا باشه . باید یک نفر تفسیر کننده باشه .

صحبت به زبان ها همینطور با کنترل خود مشخص شده . عهد جدید اجازه ای برای شور و هیجان و بی نظمی به ما نمیده . کنترل داشتن بر خود یکی از میوه های روح هست . و در اول قرنیتان 14 هم این کنترل رو میبینیم . شما یک نفر یا دو و حداکثر سه نفر رو میبینید که به زبان ها صحبت میکنه . تعریفی که در اینجا اومده اینه که حتی در پنتیکاست هم وقتی پطرس شروع به موعظه انجیل کرد اونها صحبت به زبان ها رو متوقف کردند . لازمه صحبت به زبان ها حضور یک مفسر و همچنین داشتن کنترل بر خود هست . و باید باعث تقدیس کلیسا و جلال خدا بشه . همه اینها به منظور تقویت کلیسا باید انجام بشه . اول قرنیتان 14:26 میگه :

پس ، ایمانداران عزیز، مقصود خود را بطور خلاصه بیان می کنم . وقتی برای عبادت در کلیسا جمع می شوید، یکی از شما سرود بخواند، دیگری کلام خدا را تعلیم دهد، یکی دیگر حقیقتی را که از جانب خدا بر او آشکار شده بیان نماید، یک نفر نیز به زبانهای غیر سخن بگوید و دیگری آن را ترجمه کند. اما هر چه انجام می شود، باید برای همه ایمانداران مفید باشد و باعث تقویت و رشد روحانی ایشان گردد. اونها باید کلیسا رو تقدیس و خدا رو جلال بدن . اول قرنیتیان 5:14 میگه :

آرزوی من اینست که همه شما به زبانها سخن بگویید، اما بیشتر دلم می خواهد که نبوت کنید، زیرا نبوت کردن بهتر است از سخن گفتن به زبانها، مگر آنکه کسی بتواند مطلبی را که شما به زبانهای غیر می گوئید، برای دیگران ترجمه کند تا ایشان نیز از آن بهره مند شوند. این چیزیه که در جمع اتفاق می افته .

زبانها در خلوت .

زیرا نبوت کردن بهتر است از سخن گفتن به زبانها، مگر آنکه کسی بتواند مطلبی را که شما به زبانهای غیر می گوئید، برای دیگران ترجمه کند تا ایشان نیز از آن بهره مند شوند. اول قرنیتیان 28:14 میگه :

اما اگر کسی نباشد که ترجمه کند، ایشان باید در سکوت با خود و با خدا به زبانهای غیر سخن گویند، نه در حضور همه و با صدای بلند.

به نظر میرسه پولس بیشتر با این نظر موافقه که مردم در خلوت به زبان ها صحبت کنند . من فکر میکنم اینجا سوالی مطرح میشه . باید رو راست بگم من هرگز در خلوت یا در جمع به زبان ها صحبت نکردم. من میدونم خیلی ها هستن که در جمع یا خلوت به زبان ها صحبت میکنن . من در هر دو شرایط حضور داشتم . این تعریف اینجا مربوط به صحبت کردن در خلوت به زبان هاست . من فکر نمیکنم کتاب مقدس بگه صحبت کردن به زبانها در جمع ، میتونه انجام بشه یا باید بشه و یا نشه . در ضمن عطایای روحانی برای تقدیس به کلیسا داده میشه . پس صحبت به زبان ها در خلوت حداقل این سوال رو پیش میاره که این چطور میتونه باعث تقدیس کلیسا بشه . این باعث تقدیس فرد میشه . اگر من عطیه تعلیم داشته باشم و به طور خصوصی تعلیم بدم ، این زیاد خوب نخواهد بود اما از طرفی من یقیناً برای کسانی هم که معتقد به دعا به زبان ها در خلوت هستند ، احترام قائلم . و به نظر میرسه که در قرنیتیان 4:14 و 28 همین مسأله مطرح شده . من فکر میکنم یک آزادی در عهد جدید برای صحبت به زبان ها وجود داره مگر اینکه شما نظریه توقف یا پایان رو کاملاً بپذیرید .

آیا صحبت به زبان ها معیار هست ؟

اما سؤال اصلی برای اینکه بخوام یقین پیدا کنم اینه . آیا زبان ها معیار هست ؟ من یقین دارم که کتاب مقدس صراحتاً در این باره صحبت میکنه . به این نقل قول از یک شخص کاریزماتیک توجه کنید :

یک شخص باید عطیه صحبت به زبان ها رو با اطمینان بطلبه . وقتی که برای تعمید روح دعا میکنه . ثمره زبان ها ، مهم ترین و اولین قدم هست و ارزش داره که شخص رو تشویق کنیم که سعی کنه عطیه زبان ها رو دریافت کنه . حتی اگر این احتمال باشه که به او برچسب عدم تعادل بزنن . گاهی میشه به مردم کمک کرد که به آسانی تسلیم زبان ها بشند . بعد از اینکه با شخص برای تعمید روح دعا شد ، یکی از اعضاء گروه میتونه خم بشه و زانو بزنه و از اون شخص بپرسه ، که ایا میخواد برای دریافت زبان ها براش دعا بشه ؟ وقتی اون شخص بگه بله ، میتونه او رو تشویق کنه تا شروع به صحبت کنه . و هجاهایی در بیاره که به زبان اصلیش نیست . بعد باید دوباره با او دعا کنه . وقتی شخص شروع به صحبت به زبان ها کرد ، باید او رو تشویق کنه و بگه بعد از اینکه خواستی تعمید روح بگیری و در خواست عطیه زبان ها کردی ، حالا خودت و تسلیم اون کن . شروع به صحبت کن . اگر لازم باشه حتی با صداهای نامفهومی شروع به صحبت بکنه ، روح القدس به اونها شکل خواهد داد .

من گمون نمیکنم کتاب مقدس ، این مطلب رو تأیید بکنه . این کاریه که روح القدس با عمل مقتدرانه خودش انجام میده . اگر ما میخوایم چیزی بطلبیم ، باید عطیه ای رو بطلبیم که کلیسا رو بیشتر تجهیز و تقدیس میکنه . به این دلیل که پولس میگه نبوت رو بطلبید . اونجا حتی در اعمال 10 و اعمال 19 اونها یقیناً کتاب راهنمای عطایا رو نداشتند . اعمال 44:10 – 48 میگه:

هنوز سخن پطرس تمام نشده بود که روح القدس بر تمام شنوندگان نازل شد! یهودیانی که همراه پطرس آمده بودند، وقتی دیدند که روح القدس به غیریهودیان نیز عطا شده است ، مات و مبهوت ماندند. ولی جای شک باقی نماند، چون می شنیدند که همه به زبانهای مختلف سخن می گویند و خدا را تمجید می کنند. آنگاه پطرس گفت : “اکنون که ایشان مانند ما روح القدس را یافته اند، آیا کسی می تواند بمن اعتراض کند که چرا تعمیدشان می دهم؟” پس بنام عیسی مسیح ایشان را غسل تعمید داد. آنگاه کرنیلیوس التماس کرد که پطرس چند روزی نزد آنان بماند.

همینطور اعمال 1:19 – 7 میگه :

در همان زمان که اپلس در یونان در شهر قرنتس بود، پولس نیز در ایالت آسیا سفر می کرد تا به افسس رسید و در آنجا چند نفر مسیحی یافت . پولس از ایشان پرسید: “آیا وقتی به عیسی مسیح ایمان

آوردید، روح القدس را یافتید؟” جواب دادند: “نه، ما حتی نمی دانیم روح القدس چیست!” پولس پرسید: “پس به چه ایمانی اعتراف کردید و غسل تعمید گرفتید؟” جواب دادند: “به آنچه یحییای پیغمبر تعلیم داده است.” پولس به ایشان گفت: “تعمیدی که یحیی می داد برای این بود که مردم از گناه دست کشیده، بسوی خدا بازگردند و به عیسی ایمان بیاورند، یعنی به همان کسی که یحیی وعده ظهورش را می داد.” وقتی این را شنیدند، به نام عیسی خداوند غسل تعمید گرفتند. سپس، هنگامی که پولس دست بر سر آنان گذاشت، روح القدس بر ایشان قرار گرفت و به زبانهای مختلف سخن گفتند و نبوت کردند. تعداد این افراد دوازده نفر بود.

در ضمن برای این سؤال که آیا صحبت به زبان ها معیار هست، باز هم به اعمال 10 و 19 نگاه کنید. اینها تجربیات منحصر به فردی هستند که در این دوره از تاریخ نجات، جریان داشتند. و من فکر نمیکنم اونها ما رو بر این اساس آماده کنن و بگن، همه باید بر مبنای اعمال 19 رفتار کنند، چون پولس بر این اشخاص دست گذاشت و اونها به زبان ها صحبت و نبوت کردند. هر کسی که روح داره یا تعمید روح داره باید به زبان ها صحبت کنه. من فکر میکنم این در چهارچوب کتاب مقدس نمیگنجه. من فکر میکنم، این برداشتی از این داستان کتاب مقدسه که میتونه اون رو بصورت معیار مطرح بکنه.

زبان ها در اعمال در گروه ها ظاهر میشه و هدف اصلی اون نشان دادن گسترش انجیل در یرتو این دوره از تاریخ نجات هست. صحبت به زبان ها در قرن تس متفاوت هست. در اونجا افراد صحبت میکنن و هدف اصلی اونها تقدیس کلیسا و تجهیز اون برای پرستش هست. ما باید مراقب باشیم که داستان هایی مثل اعمال 8، 10 و 19 رو نگیریم و اونها رو مبنایی برای معیار قرار دادن زبان ها بکنیم و بگیم خب این چون برای اونها پیش اومده، پس میتونه برای هر کسی پیش بیاد. این یک اصل اساسی مطالعه کتاب مقدس هست. وقتی به داستان های کتاب مقدس نگاه میکنید، به داستان ابراهیم اینطور نگاه نمی کنید که او پسرش اسحاق رو بر روی مذبح قربانی قرار میده و یقیناً فکر نمیکنید که هر پدری برای داشتن ایمان به خدا باید اینکارو بکنه. ما هیچ کدام اینکارو انجام نمیدیم. ما به داستان دانیال نگاه نمیکنیم و نمیگیم من میخوام ایمانم رو با به سر بردن شبی در قفس شیران نشون بدم. یا میخوام مثل شدرک، میشک و عبدنقو وسط تون آتش بپریم. این داستان ها معیار نیستند. بخش هایی از کتاب مقدس هست که به ما فرمان میده. بیایید اونها رو ببینیم و بعد بخوایم که داستان های متن تاریخ نجات رو درک کنیم. نتیجه گیری برای صحبت به زبان ها اینه که صحبت به زبان ها یک اصل یا معیار برای ایمان در عهد جدید نیست. من نمیگم که کتاب مقدس تعلیم میده که صحبت به زبان ها تماماً

متوقف شده . من فکر نمیکنم کتاب مقدس به طور واضح از توقف یا عدم توقف اون صحبت کرده باشه . بلکه فکر میکنم کتاب مقدس به وضوح میگه که اون وقایع معیاری برای ایمان در عهد جدید نیستند . و تجربیات الزامی ایمان در عهد جدید نیستند. جنبش قدرتمند روح خدا توسط کسانی که به زبان ها صحبت نمیکنند متوقف نمیشه . این خیلی مهمه . من نمیگم اگر به زبان ها صحبت کنید، چیز بدیهه . به هیچ وجه . من فکر نمیکنم که کتاب مقدس در مورد این چیزها به وضوح صحبت کرده باشه . اما فکر میکنم کتاب مقدس به وضوح گفته که نباید به دیگران بگیم تو باید به عنوان نشانه ای از کار روح القدس حتماً به زبان ها صحبت کنی . من فکر میکنم بر چیزی متمرکز بشیم که از روح میدونیم . نظیر میوه های روح . احساس کردن روح . و اعلام انجیل و قدرت روح . همه اینها بدون زبان ها هم اتفاق می افته .

کتاب مقدس در مورد شفا چی میگه ؟

هدف از عطیه شفا چیه ؟

اول قرنیتیان 8:12 – 10 میگه :

روح القدس به یک شخص عطای بیان حکمت می بخشد تا با ارائه راه حل های حکیمانه دیگران را یاری نماید؛ و به دیگری دانستن اسرار را عطا می کند. او به یکی ایمانی فوق العاده عطا می نماید، و به دیگری قدرت شفای بیماران را می بخشد. به بعضی قدرت انجام معجزات می دهد، به برخی دیگر عطای نبوت کردن . به یک نفر قدرت عطا می کند که تشخیص دهد چه عطایی از جانب روح خداست و چه عطایی از جانب او نیست . باز ممکن است به یک شخص این عطا را ببخشد که بتواند به هنگام دعا به زبانهایی که نیاموخته است ، سخن گوید، و به دیگری عطای ترجمه این زبانها را بدهد.

همینطور اول قرنیتیان 28:12 میگه :

بعضی از اعضا که خدا در کلیسا یعنی در بدن مسیح قرار داده است ، اینها هستند: رسولان ، یعنی فرستادگان مسیح . انبیا، یعنی کسانی که با الهام از خدا، پیغامی می آورند. معلمان ، یعنی کسانی که کلام خدا را به دیگران تعلیم می دهند. کسانی که معجزه می کنند. کسانی که بیماران را شفا می دهند. کسانی

که عطای کمک به دیگران را دارند. کسانی که عطای رهبری و هدایت مردم را دارند. کسانی که عطای سخن گفتن به زبانهایی را دارند که قبلاً نیاموخته اند.

هر دوی این متون منظور از عطیه شفا رو بیان میکنند. من اینها رو از کلام به شما نشون خواهم داد. اصولاً چهار هدف اصلی اینجا میبینیم. عطیه شفا به کلام خدا یا انجیل اعتبار میبخشه. عطیه شفا قوم خدا یا کلیسا رو آرامی میبخشه. خدا با عطیه شفا رحمت و محبت خودش رو به قومش که بیمار هستند نشون میده. عطیه شفا موانع کار خدا رو در خدمت برطرف میکنه. و عطیه شفا نام خدا رو جلال میده. مردم نشانه های عظمت، نیکویی، محبت، قدرت و حکمت خدا رو در عطیه شفا میبینند.

عطیه شفا

عطیه شفا، عطیه ایست که با دعا کردن در شرایط مختلف و در نیاز های مختلف برای شفا واقع میشه. من این رو به صورت جمع استفاده میکنم چون این چیزیه که در اول قرننیان 12 توصیف شده. به رساله یعقوب 13:5 - 15 نگاه کنید:

“اگر در میان شما کسی گرفتار درد و رنج باشد، باید دعا کند. آنانی که دلیلی برای شکرگزاری دارند، باید برای خداوند سرودهای شکرگزاری بخوانند. اگر کسی بیمار باشد، باید از کشیشان کلیسا بخواهد که بیایند و برایش دعا کنند و بر پیشانی اش روغن بمالند و از خداوند برای او طلب شفا نمایند. اگر دعای ایشان با ایمان همراه باشد، بیمار شفا خواهد یافت؛ زیرا خداوند او را شفا خواهد بخشید، و اگر بیماری او در اثر گناه بوده باشد، گناه او نیز آمرزیده خواهد شد.

بعضی ها میگن، ما نیازی به دعا برای شفا نداریم. شبان مردم رو تشویق نکن که برای شفا دعا کنن. چون خدا شفا نمیده. شاید اونها به قدرت خدا شک دارند. شاید از دست خدا عصبانی هستن. من اینو یه جا شنیدم اما در ضمن هیچ جایگزینی هم در کتاب مقدس براش نمیبینم. و فکر نمیکنم هرگز به کسی بگم برای شفا دعا نکن. هرگز اینو به کسی نمیگم که خدا قدرت شفا نداره و قادر نیست شفا بده. مسلماً زمان هایی هست که شفا اتفاق می افته. و خدا گهگاهی کارهای معجزه آسای انجام میده. آیا باید برای شفا دعا کنیم؟ بله.

من فکر میکنم کتاب مقدس ما رو برای اینکار تشویق میکنه. فکر میکنم این چیزیه که در رساله یعقوب 5 میبینیم. ما تشویق میشیم که برای شفا دعا کنیم. من فکر نمیکنم که لازم باشه پا رو از این فراتر

بذاریم و مانند بعضی آیین های پنتیکاستی بگیم تمام بیماری ها مستقیم و غیر مستقیم به شیطان مربوط میشه و چون ما در مسیح و در روح بر شیطان قدرت داریم بنابر این اگر ایمان کافی به مسیح و روح داشته باشیم از بیماری نجات پیدا میکنیم. من فکر نمیکنم این کتاب مقدسی باشه. میبینیم که این عقیده این در مورد پولس در دوم قرننیاں 12 صدق نمیکنه: وقتی از خدا میخواد خار جسم او رو برداره، و خدا نمیپذیره. زمانهای دیگری بود که پولس بیمار بود. متأسفانه پولس از این بهره ای نبرده. من فکر نمیکنم که کتاب مقدس اون نظریه رو تأیید کنه اما در هر حال بما میگه برای شفا دعا کنیم. و از عطیه شفا صحبت میکنه. وقتی کسی بیمار چطور باید برای شفای او دعا کنیم؟ اولین نظر از دو نظریه اصلی میگه با این هدف دعا کنید که شفا بیاید. منظورم اینه که در پرتو هدفی دعا کنید که قبلاً دیدیم. به منظور گسترش انجیل.

به اعمال 14:5 – 16 نگاه کنید که میگه:

در ضمن، رسولان بطور مرتب برای دعا در خانه خدا، در قسمتی به نام "ایوان سلیمان" جمع می شدند. ایشان در میان مردم معجزات زیاد و حیرت آوری می کردند، تا جایی که مردم بیماران خود را بر روی تخت و تشک به کوچه ها می آوردند تا وقتی پطرس از آنجا رد می شود، اقلا سایه او بر بعضی از ایشان بیفتد! مردم حتی از اطراف اورشلیم می آمدند و دیوانه ها و بیماران خود را می آوردند و همه شفا می یافتند.

اعمال 32:9 – 35 میگه:

پطرس نیز به همه جا می رفت و به وضع ایمانداران رسیدگی می کرد. در یکی از این سفرها، نزد ایمانداران شهر لده رفت. در آنجا شخصی را دید به نام اینیاس که به مدت هشت سال فلج و بستری بود. پطرس به او گفت: "اینیاس، عیسی مسیح تو را شفا داده است! برخیز و بسترت را جمع کن!" او نیز بلافاصله شفا یافت. آنگاه تمام اهالی لده و شارون با دیدن این معجزه به خداوند ایمان آوردند.

بعد اعمال 8:14 – 10 میگه:

در لستره به مردی که لنگ مادرزاد بود بر خوردند که هرگز راه نرفته بود. هنگامی که پولس موعظه می کرد، او خوب گوش می داد و پولس دید ایمان شفا یافتن را دارد. پس به او گفت: "بلند شو بایست!" او نیز از جا جست و براه افتاد!

اعمال 11:19 – 12 میگه:

خدا به دست پولس معجزات بزرگ نشان می داد بطوریکه مردم دستمال ها و پیش بندهایی را که با بدن پولس تماس یافته بود می بردند و بر بدن مریضان می گذاشتند و آنان از امراض خود خلاص می شدند و

ارواح ناپاک از آنان خارج می‌گشت.

چیزی که اینجا میبینید اینه که مردم شفا پیدا میکنند و در نتیجه شفا به مسیح ایمان میارن . پس دعا کنید . من فکر میکنم وقتی شما برای کسی که بیماره دعا میکنید ، باید اینطور دعا کنید . خدایا دعا میکنم که شفای تو بیاید تا انجیل گسترش پیدا کنه . تا کلیسای تو آرامی پیدا کنه . تا قوم خدا آرامی پیدا کنند .

اعمال 7:20 – 12 خیلی مناسب این هست که میگه :

یکشنبه برای مراسم شام مقدس دور هم جمع شدیم و پولس برای ما موعظه می‌کرد؛ و چون روز بعد می‌خواست از آن شهر برود، تا نیمه های شب صحبت کرد. در بالاخانه ای که جمع بودیم ، چراغهای بسیاری روشن بود. همینطور که پولس سخن را طول می‌داد، جوانی به نام افتیخس که کنار پنجره نشسته بود، خوابش برد و از طبقه سوم پایین افتاد و مرد. پولس پایین رفت و او را در آغوش گرفت و گفت : “ناراحت نباشید او صحیح و سالم است !” همینطور نیز بود! همه خوشحال شدند و با هم به بالاخانه بازگشتند و شام مقدس را خوردند. پولس باز سخن را ادامه داد تا کم کم هوا روشن شد. آنگاه ایشان را ترک گفت .

این داستان در مورد افتیخوس هست . پولس اونقدر موعظه اش طولانی میشه که افتیخوس خوابش میبره و از پنجره پایین می‌افته .

بعد او برای شفای افتیخوس دعا میکنه و خدا او رو شفا میده . هدف دوم برای موفقیت در خدمت هست .

اعمال 40:9 – 43 میگه :

پطرس همه آنان را از اطاق بیرون کرد. سپس زانوزد و دعا نمود و رو به جسد کرده گفت : «ای طبیتا برخیز.» او چشمان خود را گشود و وقتی پطرس را دید راست نشست. پطرس دست خود را به او داد و او را روی پا بلند کرد. سپس مقدسین و بیوه زنان را صدا زد و او را زنده به ایشان سپرد. این موضوع در سراسر یافا منتشر شد و بسیاری به خداوند ایمان آوردند. پطرس روزهای زیادی در یافا ماند و با شمعون دباغ زندگی می‌کرد .

اینجا داستانی از تابیتا هست که شفا پیدا میکنه تا کلام خدا برای جلال خدا در منطقه یافا پیش بره.

اعمال 6:3 – 10 مربوط به زمانیه که مرد لنگی شفا پیدا میکنه و شروع میکنه به جلال دادن مسیح و بسیاری از مردم از این واقعه در حیرت میافتند . آیات اینطور میگن :

پطرس گفت : “ما پولی نداریم که به تو بدهیم ! اما من چیز دیگری به تو می دهم ! در نام عیسی مسیح ناصری به تو دستور می دهم که برخیزی و راه بروی !” سپس دست او را گرفت و از زمین بلندش کرد. در همان لحظه پاها و قوزک پاهای او صحیح و سالم شد و قوت گرفت ، بطوری که از جا پرید، لحظه ای روی پاهای خود ایستاد و براه افتاد! آنگاه در حالی که بالا و پایین می پرید و خدا را شکر می کرد با پطرس و یوحنا داخل خانه خدا شد. اشخاصی که آنجا بودند، وقتی او را دیدند که راه می رود و خدا را شکر می کند، و پی بردند که همان گدای لنگی است که هر روز کنار دروازه “زیبای” خانه خدا می نشست ، بی اندازه تعجب کردند!

همینطور اعمال 16:3 می‌گه :

شما خود می دانید که این مرد فقیر قبلا لنگ بود. اما اکنون ، نام عیسی او را شفا داده است ، یعنی ایمان به نام عیسی باعث شفای کامل او شده است ، ایمانی که عطیه الهی است .

پس در پرتو این اهداف دعا کنید . به منظور گسترش کلام خدا ، انجیل و برای آسایش قوم خدا برای موفقیت در خدمت و برای جلال خدا و با ایمان برای شفا دعا کنید . این نوعی از ایمان هست که ما با اون دعا میکنیم . باز هم خواهش میکنم سوء تفاهم نشه وقتی میگم اگر ایمان کافی داشته باشیم ، منظورم این نیست که شفا به صورت خودکار جاری میشه . من فکر نمیکنم کتاب مقدس چنین تعلیمی داده باشه . برای شفا با ایمان دعا کنید چون ملکوت خدا اینجا هست . در لوقا 7:20 – 22 یحیی تعمید دهنده از اینجا آمدن پادشاهی خدا رو میدونه که کوران بینا میشن ، لنگان راه میرن ، جذامیان پاک میشن و کرها شنوا میشن . اون می‌گه :

آن دو شاگرد هنگامی نزد عیسی رسیدند که او افلیج ها، کورها و بیماران مختلف را شفا می بخشید و ارواح پلید را از وجود دیوانگان اخراج می کرد. آنان سوال یحیی را به عرض او رساندند. عیسی در جواب فرمود: “نزد یحیی بازگردید و آنچه دیدید و شنیدید، برای او بیان کنید که چگونه نابینایان بینا می شوند، لنگ ها راه می روند، جذامی ها شفا می یابند، ناشنواها شنوا می گردند، مرده ها زنده می شوند و فقرا پیغام نجاتبخش خدا را می شنوند.

حضور عیسی در روی زمین نشانه این بود که پادشاهی در روی زمین هست . و اگر خدا امروز به عنوان مثال شفاهای معجزه آسایی جاری میکنه به ما یادآوری میکنه که پادشاهی مسیح بر روی زمین هست . اما ما همینطور با ایمان دعا میکنیم که پادشاهی بیایید . وقتی خدا شفا نمیده ، ما باز هم به این حقیقت میچسبیم که پادشاهی تو می آید .

دوم قرنتیان 8:12 – 9 می‌گه :

سه بار به خداوند التماس کردم که مرا از آن رهایی دهد. اما او هر بار خواهش مرا رد کرد و فرمود: “من با تو هستم و همین تو را کافی است، زیرا قدرت من در ضعف تو بهتر نمایان می شود!” پس حال با شادی به ضعفهای خود می بالم. شادم از اینکه زندگی ام قدرت مسیح را نمایان می سازد، و نه توانایی ها و استعدادهای خودم را.

غلاطیان 13:4 – 14 میگه :

در آن زمان، وقتی انجیل را به شما بشارت دادم، با وجود ضعفی که در بدنم داشتم، مرا خوار و حقیر نشمردید. گرچه تحمل این ضعف بدنی من برای شما طاقت فرسا بود، با این حال از من بیزار نشدید، بلکه در عوض از من چنان استقبال و پذیرایی کردید که گویی فرشته ای از درگاه خدا یا حتی خود عیسی مسیح نزد شما آمده بود!

اول تیموتائوس 23:5 میگه :

خوبست که بجز آب، گاهی نیز برای ناراحتی معده ات، کمی شراب بنوشی، زیرا اغلب بیمار می شوی.

همینطور دوم تیموتائوس 20:4 میگه :

اراستوس “در قرنتس ماند؛” تروفیموس “را نیز که بیمار بود، در میلیتوس ترک کردم و آمدم. اینها مثال هایی هستند که در اون شفای خدا جاری همیشه و مردم هنوز بیمار هستند. با وجودی که پیرو خدا هستند. پس ما با هدفی دعا میکنیم. با ایمان برای شفا دعا کنید اما میدونیم که روزی خواهد آمد که بدن های ما شفا خواهد یافت. رومیان 22:8 – 27 میگه :

چون می دانیم که حتی حیوانات و گیاهان نیز که گرفتار بیماری و مرگند، همچون زنی که در حال زاییدن است، درد می کشند و در انتظار این واقعه بزرگ، روزشماری می کنند. حتی ما مسیحیان، با اینکه روح خدا را بعنوان نشانه ای از شکوه و جلال آینده در خود داریم، با آه و ناله در انتظاریم تا از درد و رنج آزاد شویم. بلی، ما نیز با اشتیاق بسیار، منتظر روزی هستیم که خدا امتیازات کامل ما را بعنوان فرزندان، به ما عطا کند. یکی از این امتیازات، طبق وعده او، بدن تازه ای است که نه دچار بیماری می شود و نه مرگ بر آن قدرت دارد. ما با امید، نجات یافته ایم؛ و امید یعنی انتظار دریافت چیزی که هنوز نداریم؛ زیرا اگر کسی چیزی را در اختیار داشته باشد، نیازی نیست که به امید آن باشد. پس وقتی برای چیزی که هنوز رخ نداده، به خدا امیدواریم، باید با صبر و حوصله منتظر آن بمانیم. به این وسیله، یعنی بوسیله ایمان ما، روح خدا ما را در مشکلات زندگی و در دعاهایمان یاری می دهد،

زیرا ما حتی نمی دانیم چگونه و برای چه باید دعا کنیم . اما روح خدا با چنان احساس عمیقی از جانب ما دعا می کند که با کلمات قابل توصیف نیست ؛ و خدا که از دل ما باخبر است ، می داند که روح القدس چه می گوید، زیرا آنچه که او بجای ما دعا می کند، طبق خواست خداست .

افسیان 13:1 – 14 میگه:

بسبب فداکاری مسیح ، همه شما نیز که پیغام نجات بخش انجیل را شنیدید و به مسیح ایمان آوردید، بوسیله روح القدس مهر شدید تا مشخص شود که متعلق به مسیح هستید. خدا از زمانهای گذشته ، وعده داده بود که روح القدس را به همه ما مسیحیان عطا کند؛ و حضور روح القدس در ما، ضمانت می کند که خدا هرچه وعده داده است ، به ما عطا خواهد فرمود. مهر روح خدا بر ما، نمایانگر اینست که خدا ما را باز خرید کرده و ضمانت نموده است که ما را به حضور خود ببرد. این نیز دلیل دیگری است برای آنکه خدای شکوهمند خود را سپاس گوئیم !

او بدنهای ما رو شفا خواهد داد و روزی ما روی او را خواهیم دید. مکاشفه 16:22 – 21
من، عیسی، فرشته خود را نزد شما فرستادم تا همه چیز را با کلیساها در میانگذارم. مناز اصلو نسبداود هستم. منستاره درخشنده صبحمیشام. ”روح و عروسمیگویند: “بیا!” هرکس اینرا میشنود، بگوید: “بیا!” هر کشتنهایستباید، و هرکس مایلاستباید، و از آب حیات بهر ایگان بنوشد. به کسی که پیشگوییهای این کتاب را میشنود با صراحت میگویم که اگر بهنوشتهای این کتاب چیز یا ضافه کند، خدا بلاهای این کتاب را بر سرش خواهد آورد. و اگر از این پیشگوییها مطلبی کم کند، خداوند او را از درخت حیات و شهر مقدس که آنرا شرح دادم، بینهی خواهد ساخت. کسی که این چیزها را گفته است، میفرماید: “بله، منیز و دیم آییم!” “آمین! ای عیسی خداوند، بیا!” فیض خداوند ما عیسی مسیح بر همه شما باد! آمین!

روح و کمال

روح اطمینان میدهد...

او بدنهای ما رو شفا میدهد و ما روی او رو خواهیم دید. این کاریه که روح میکنه. ما در مورد کارهایی که روح در زندگی ما میکنه خیلی صحبت کرده ایم. وقتی به آینده نگاه میکنیم اینها کارهاییه که روح انجام میدهد. اولاً روح بما اطمینان میدهد. ما به زندگی مسیح در ما دلگرم میشیم چون روح این اطمینان رو بما میدهد. و به این ترتیب میدونیم که او در ما زندگی میکنه. اول یوحنا 3:24 میگه:

هر کجا که خدا را بجا آورد، با خدا زندگی میکند و خدا نیز با او. اینحقیقترا از آنرو چاکر که خدا بهما عطا

فرموده‌است، دریافت کرد‌هایم.

اول یوحنا 4:13 می‌گه:

خدا برای همین رو حیا خود را در وجود ما قرار داد تا بدانیم که خدا در ما ساکن است و ما در خدا. چیزی که در عهد جدید جالبه اینه که ما استعاره‌ها و تصاویر مختلفی می‌بینیم که شرح چگونگی اطمینان دادن روح القدس ب‌ماست. استعاره‌های خانواده: روح شهادت می‌ده که ما فرزندان خدا هستیم. رومیان

17 – 15:8

پس همچون برده‌ها، رفتارمان آمیخته با ترس و لرز نباشد، بلکه مانند فرزندان خدا رفتار نماییم، فرزندان‌ای که به عضویت خانواده خدا پذیرفته شده‌اند و خدا را پدر خود می‌خوانند. زیرا روح خدا در عمق وجود ما، به ما می‌گوید که ما فرزندان خدا هستیم. و اگر فرزندان خدا هستیم، وارثان او نیز خواهیم بود. ب‌عبارت دیگر، خدا تمام آن جلال و شکوهی را که به فرزند خود عیسی مسیح خواهد داد، به ما نیز عطا خواهد فرمود. اما اگر می‌خواهیم در آینده در جلال او شریک شویم، باید اکنون در دردها و رنج‌های او نیز شریک گردیم. روح فرزند خوندگی.

استعاره‌های مالی: روح القدس بیعانه نجات ما هست. دوم قرنتیان 1:21 – 22

چنین خدایی است که من و شما را تبدیل به مسیحیان وفادار کرده و ما را مأمور نموده تا پیغام انجیل او را به همگان برسانیم؛ و مهر مالکیت خود را بر ما زده، و روح القدس را بعنوان بیعانه برکات آینده در دل‌های ما نهاده است.

او ما رو مسح می‌کنه، مهر مالکیت بر ما می‌زنه، و روح خودش رو بعنوان بیعانه در دل ما قرار می‌ده، آینده رو تضمین می‌کنه. روح تضمینی هست مثل قسط اول. او می‌گه: بقیه اش خواهد آمد. این استعاره ای مالی هست.

استعاره کشاورزی: روح نوبت نجات ما هست. رومیان 8:23

حتی ما مسیحیان، با اینکه روح خدا را بعنوان نشانه‌ای از شکوه و جلال آینده در خود داریم، با آه و ناله در انتظاریم تا از درد و رنج آزاد شویم. بلی، ما نیز با اشتیاق بسیار، منتظر روزی هستیم که خدا امتیازات کامل ما را بعنوان فرزندانش، به ما عطا کند. یکی از این امتیازات، طبق وعده او، بدن تازه ای است که نه دچار بیماری می‌شود و نه مرگ بر آن قدرت دارد.

درست همونطور که نوبت وقتی میرسه خبر از آمدن محصول می‌ده. روح درون شما! خبر می‌ده که این همه چیز نیست که خواهد بود. بیشترش در راه هست. استعاره قانونی: روح یک مهر هست. افسسیان

بسبب فداکاری مسیح ، همه شما نیز که پیغام نجات بخش انجیل را شنیدید و به مسیح ایمان آوردید، بوسیله روح القدس مهر شدید تا مشخص شود که متعلق به مسیح هستید. خدا از زمانهای گذشته ، وعده داده بود که روح القدس را به همه ما مسیحیان عطا کند؛ و حضور روح القدس در ما، ضمانت می کند که خدا هرچه وعده داده است ، به ما عطا خواهد فرمود. مهر روح خدا بر ما، نمایانگر اینست که خدا ما را باز خرید کرده و ضمانت نموده است که ما را به حضور خود ببرد. این نیز دلیل دیگری است برای آنکه خدای شکوهمند خود را سپاس گوئیم !

خواهران و برادران شما مهر شده اید. شما مهری دارید که وعده روح القدس برای تضمین میراث آسمانی شماست. به ما تضمین داده شده که روزی خواهد آمد که بدنهای ما شفا خواهد یافت و روی او رو خواهیم دید. این تضمین شده چون او شما رو مهر کرده. روح جلال میده...
روح اطمینان میده، و روح جلال میده. روح کار تقدیس رو در فرزنداناش به کمال خواهد رسوند. دوم قرنتیان 3:17 – 18 میگه:

خداوند روح حیات بخش است ، و هر جا که روح خداست ، در آنجا آزادی است ، آزادی از تلاش و تقلا برای رسیدن به رستگاری از راه انجام تشریفات مذهبی . اما ما مسیحیان نقابی بر صورت خود نداریم و همچون آینه ای روشن و شفاف ، جلال خداوند را منعکس می کنیم ؛ و در اثر کاری که خداوند یعنی روح القدس در وجودمان انجام می دهد، با جلالی روزافزون ، بتدریج شبیه او می شویم .
غلاطیان 5:5

و لیکن ما به یاری روح القدس ، بسبب ایمانی که داریم ، در حضور خدا بی گناه محسوب می شویم . او کار تقدیس رو در فرزنداناش به کمال خواهد رسوند. مکاشفه 17:22 میگه:
روحو عروس میگویند: “بیا!” هرکس اینرا میشنود، بگوید: “بیا!” هر که شنهاستنیاید، و هرکس مایلاستنیاید، و از آب حیات بهر ایگان بنوشد.

بعد به انتهای مکاشفه 22 میرسید و نویسنده میگه: روح میگوید آمین ، بیا ، ای عیسی ، ای خداوند. زود بیا.

روح درون ما تمام کار های او رو تأیید میکنه و برای روزی که مسیح رو ببینیم فریاد میزنه. وقتی که او رو رودر رو ببینیم نجات را به کمال تجربه خواهیم کرد.

مجوز رسمی

شما مجاز هستید و ما تشویق میکنیم که این مطالب را تکثیر و توزیع نمائید. یادآوری میکنم که هیچ گونه تغییری در محتوی این مطالب مجاز نیست. لطفاً در پایان نسخه های تکثیر شده این عبارت را قید نمائید:

By David Platt. © David Platt & Radical

Website: Radical.net